

تغییر فرهنگی با اخلاق و رفتار جامعه را مستقیماً رقم نمی‌زند. «رحمتی در خصوص آثار جشنواره کاریکاتور باجنیز توضیح داد: «آثاری که به دبیر خانه رسیدند، رویکردهای متنوعی داشتند. برخی کارها به خود پدیده باجنیز و سازوکارهای اقتصادی آن توجه داشتند و برخی دیگر زوایای متفاوتی را بررسی کرده بودند. این تنوع نگاه، یکی از جذابیت‌های جشنواره بود و نشان داد که هنرمندان با موضوع به شکل خلاقانه و متفاوت ارتباط برقرار کرده‌اند.» او درخصوص فرآیند داوری افزود: «در این جشنواره بر خلاف بسیاری دیگر، تقریباً تمام آثار کیفیت بالایی داشتند. همین موضوع، داوری را بسیار سخت می‌کرد. در داوری، دویخش اصلی مدنظر قرار گرفت؛ محتوا و تکنیک. نگاه داورها نیز متفاوت بود؛ برخی بر تکنیک تاکید داشتند و برخی بر محتوا اما ما با هر دو رویکرد آثار را ارزیابی کردیم.»

▼ جشنواره کاریکاتور را باید ادامه داد

سلمان طاهری، کاریکاتوریست یکی دیگر از اعضای هیئت‌داوران اولین جشنواره ملی کاریکاتور باجنیزهاست. او پدیده باج‌گیری و باج‌خواهی رسانه‌ای را یکی از پیامدهای اقتصاد رانتی و غیرشفاف می‌داند و درباره نسبت فرم کاریکاتور با چنین معضلاتی می‌گوید: «کاریکاتور یا هر شکل دیگری از هنر نمی‌تواند اصل موضوع را تحت‌الشعاع قرار دهد. مردم ایران همواره به طنز گرایش داشته‌اند و این فرم را دوست دارند. کاریکاتوریکی از مדיاهای رسانه‌ها و فرم‌های هنری است که می‌تواند سریع در آگاهی عمومی مؤثر باشد. درباره جشنواره کاریکاتور باجنیز هم فکر می‌کنم بالاترین دستاورد آن و این فرم‌های هنری آگاهی‌رسانی است. اگر افکار عمومی آنقدر آگاه شوند که بتوانند باجنیزها و رسانه‌های باج‌گیر را شناسایی کنند و به راحتی فریب نخورند، آن وقت مؤثر واقع شده‌ایم.» او درباره مضامین آثار ارسال شده به دبیر خانه جشنواره می‌گوید: «آثاری که به دبیر خانه جشنواره رسید و داوری شد، از نظر کیفیت مفهومی فراتر از انتظار مان بود. اگر چه ممکن است برخی آثار به‌دلیل نزدیکی مفاهیم، با فیک‌نیوزها یا دیگر دروغ‌پرازی‌های رسانه‌ای ترکیب شده باشند، اما ما در هیئت‌داوران ارزیابی‌مان این بود که عمده هنرمندان فهم صحیح و دقیقی از پدیده باجنیز را در آثارشان آورده‌اند. حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد آثار به‌صورت مستقیم به خود پدیده باجنیز اشاره داشت و بقیه آثار بیشتر به‌اسبب‌ها و پیامدهای آن برای رسانه‌ها پرداخته بودند. به گمان من، با توجه به پیچیدگی موضوع، این سطح از درک و ارائه مفهومی بسیار ارزشمند بود.» طاهری درباره معیارهای داوری توضیح می‌دهد: «در تمام جشنواره‌های هنری، اصل اساسی، پرداختن به موضوع در همه جشنواره‌هاست. چراکه اعتبار یک جشنواره به استانداردهای بصری و تکنیکی آثار است. با وجود اینکه باجنیز موضوعی تا حدودی انتزاعی است، شرکت‌کنندگان حرفه‌ای توانستند آن را به‌شکل مؤثر در کارهای خود بازتاب دهند. در تکنیک، ممکن است اختلاف‌نظرهایی در ارزیابی آثار وجود داشته باشد که آن هم طبیعی است. چراکه سلیقه‌های شخصی در این حوزه مطرح می‌شود، اما خوشبختانه تعداد کارتنیست‌های حرفه‌ای و مسلط بر تکنیک در این جشنواره کافی بود تا انتخاب آثار برتر محدود نشود. نهایتاً در امتیازدهی، آثار با تکنیک بالاتر، امتیاز بیشتری کسب کردند.»

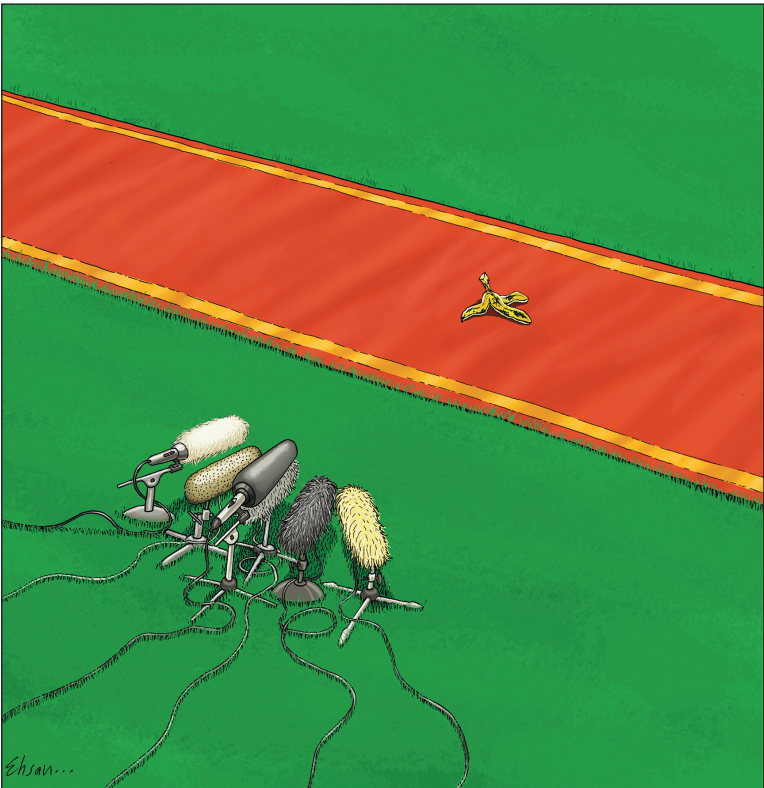
عضو هیئت‌داوران نخستین جشنواره ملی کاریکاتور باجنیزها، درباره پیام و دستاوردهای این رویداد طاهری می‌گوید: «باتوجه به استقبالی که از جشنواره، چه از سمت هنرمندان و چه از طرف مخاطبان صورت گرفت، اولین دوره این جشنواره موفق بود و پیام‌های خود را به مخاطبان منتقل کرد. معتقدم که این جشنواره برای جامعه مطبوعاتی، جامعه کارتون‌نیست‌های ایران و مخاطبان عام اثرگذار باشد، به‌ویژه کسانی که فرصت مطالعه روزنامه یا نشریه ندارند و از طریق کاریکاتور راحت‌تر با موضوع ارتباط برقرار می‌کنند، تجربه‌ای منحصر به‌فرد و خاص است.»

طاهری با اشاره به ظرفیت‌های جشنواره کاریکاتور باجنیزها برای تبدیل شدن به رویدادی دوره‌ای می‌گوید: «تا سال ۸۸ ما دوسالانه کاریکاتور را داشتیم که اعتبار بین‌المللی بالایی داشت، اما توقف آن خلأیی ایجاد کرده بود. الان فکر می‌کنم، برگزاری جشنواره‌هایی مانند باجنیز و استقبال کارتون‌نیست‌های داخلی، نشان می‌دهد که ما به‌چنین رویدادهایی نیاز داریم و با ترکیبی از برگزار کنند‌ها و حضور مؤثر کاریکاتوریست‌هایی توان بستری ایجاد کرد و از طریق آن، شکل تازه‌ای از دوسالانه کاریکاتور را ایجاد کرد. با رسمیت‌دادن به چنین جشنواره‌ای، نقطه‌قوتی برای نهادهای رسمی نیز ایجاد می‌شود؛ زیرا کارتون‌نیست‌ها همچنان ارتباط مستقیم با مخاطبان خود دارند و فضای رسمی نیز از این ارتباط بهره‌مند می‌شود. این اقدام ضمن حفظ پیام‌های هنرمندان، می‌تواند جریان کاریکاتور را تقویت کند و فضای رسمی نیز از آن سود ببرد.»

▼ کاریکاتور حساس می‌کند و آگاهی می‌بخشد

فیروزه مظفری، کاریکاتوریست نیز از جمله اعضای تیم داوری اولین جشنواره ملی کاریکاتور باجنیزهاست. او درباره نقش کاریکاتور در شکل‌دهی به ادراک عمومی درباره پدیده باجنیزها و کسانی که در قالب باج‌گیر رسانه‌ای فعالیت دارند، می‌گوید: «مطمئناً کاریکاتور نقش بازآرنده ندارد، چرا که مسئولیت یا بازوی قانونی در این زمینه ندارد، اما می‌تواند سطح آگاهی عمومی را افزایش دهد.»

مظفری درباره آثار پذیرفته‌شده در جشنواره، به عناصر بصری مشترک میان آن‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «آثار رسیده نمایانگر تنوع سبک‌ها، نسل‌ها و جغرافیا بودند. از کاریکاتوریست‌های



آثر برگزیده اول / احسان کنجی

جوان با زبان گرافیکی مدرن گرفته تا استادان قدیمی با تکیه بر خط و اغراق سنتی، با این حال یک زبان تصویری مشترک هم دیده می‌شد؛ استفاده گسترده از نمادهای رسانه‌ای مانند میکروفن، دوربین، روزنامه، شبکه‌های اجتماعی و تصویرسازی‌های اغراق‌آمیز برای نشان دادن ماهیت باجنیزها. آنچه ما دیدیم تنوع و گوناگونی آثار و تناسب آن با تعداد شرکت‌کنندگان بود که همه حول یک معنای مشترک می‌چرخیدند.»

او درباره معیارهای داوری آثاری که در پی فراخوان به جشنواره رسیدند، چنین توضیح می‌دهد: «هیئت‌داوران در اولین دوره جشنواره ملی کاریکاتور باجنیزها بر چند موضوع محوری تاکید داشت. از جمله نوآوری بصری و پرهیز از کلیشه، قوت طنز و ایجاز، شوخ طبعی و توانایی بیان پیام با حداقل عناصر، عمق نگاه انتقادی و ارتباط مستقیم با موضوع باجنیزها و اثر بخشی پیام و تأثیر آن بر مخاطب عام بدون توضیح اضافی، ما همه این معیارها را در ارزیابی آثار لحاظ کردیم و در نهایت آثار برگزیده را انتخاب و معرفی کردیم.» مظفری بر این باور است که کاریکاتور به‌دلیل ماهیت اغراق، طنز و انتقاد، قدرت اثرگذاری زیادی در حساسیت‌زایی افکار عمومی دارد و چنین کارکردی درباره پدیده باجنیزها را هم می‌توان از آن انتظار داشت. او در این باره می‌گوید: «وقتی پدیده‌ای مثل باجنیز که برای بسیاری مردم مبهم یا ناشناخت، در قالب تصویری نمادین، کنایه‌آمیز و انتقادی ارائه می‌شود، پیام آن سریع‌تر در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد. این پیام تصویری می‌تواند هم آگاهی‌بخش باشد، هم اعتماد عمومی مردم نسبت به روش‌های فریبنده رسانه‌های باج‌گیر را تحت‌تاثیر قرار دهد.»

▼ انباشت بی‌اعتمادی، بستر ساز باج‌خواهی می‌شود

در اولین دوره جشنواره ملی کاریکاتور آثاری از احسان کنجی، طراوت نیکسی و علی پاک‌نهاد به‌عنوان آثار برگزیده معرفی شدند که روز دوشنبه ۲۴ شهریورماه و در مراسم اختتامیه رویداد، از آنها با اهدای تندیس جشنواره، لوح تقدیر جوایز نقدی ۳۰ و ۲۰ و ۱۵ میلیون تومانی تقدیر به‌عمل آمد. همچنین به‌مهدی صادقی، لاله ضیایی و سالار عشرت‌خواه به‌عنوان آثار شایسته تقدیر لوح تقدیر ۵ میلیون تومان جایزه اهدا شد. در مراسم اختتامیه، هنرمندان، روزنامه‌نگاران و چهره‌های فرهنگی ادبی کشور حضور داشتند. ابتدا هادی حیدری، دبیر جشنواره، گزارشی درباره فرآیند ارسال و داوری آثار را قرائت کرد و پس از آن نوبت به سخنرانی هارسید.

محمد فاضلی، جامعه‌شناس در صحبت‌های خود به پنج عامل اصلی ایجاد و رشد باجنیزها اشاره کرد؛ فقدان شفافیت، فساد و امور غیراخلاقی، نقش دولت در انتصاب‌های بدون ضابطه، نبود ناظر و رسانه‌های مستقل و حمایت‌های سیاسی از باجنیزها. او توضیح داد، جامعه‌ای که بی‌اعتمادی در آن غالب است، زمینه مناسبی برای گسترش باجنیز فراهم می‌کند، زیرا در چنین شرایطی افراد هر شاهدهی را رد می‌کنند و هر دروغی می‌تواند باورپذیر شود. به گفته فاضلی، این هر حله خطرناک نشان‌دهنده وضعیتی است که هر حرف و ادعای بی‌اساسی در جامعه، مشتری دارد و مرجعیت رسانه‌ای نیز از بین رفته است. او جامعه‌انباشته‌شده از بی‌اعتمادی را بستر توسعه باجنیز عنوان کرد.

عباس عبیدی، روزنامه‌نگار، در ادامه با بیان اینکه جشنواره ممکن است به توسعه این پدیده کمک کند، تاکید کرد که مسئله باجنیز فراتر از افراد باج‌گیر است و شامل کسانی می‌شود که پیشنهاد باج می‌دهند، نظارت نمی‌کنند و جامعه‌ای که سکوت می‌کند. او کم‌ارزش بودن نظام رسانه‌ای ایران را عامل مهمی دانست و گفت رسانه‌های باسابقه چون نیویورک تایمز در جهانی با ارزش اقتصادی و برند تفاوت دارند، اما در ایران روزنامه‌ها چنین ارزشی ندارند. عبیدی با تاکید بر اینکه باجنیزها خبر را تنها برای مدیرعامل می‌نویسند و بسیاری از افراد از تولید آن مطلع نمی‌شوند، ضرورت فکر جدی رسانه‌ای در کشور برای مقابله با این پدیده را مطرح کرد.



آثر برگزیده دوم / طراوت نیکسی



آثر برگزیده سوم / علی پاک‌نهاد

احمد مسجدجامعی، وزیر اسبق فرهنگ، با اشاره به‌وجه تاریخی باجنیز گفت که این پدیده جدید نیست و ریشه‌ای طولانی دارد، حتی در زمان قاجار با زبان شعر و ترانه هجوگرانه، باج‌گیری انجام می‌شده است. او نقش دولت در گسترش این پدیده را قابل توجه دانست و یادآور شد، مقابله با باجنیز کار دولت نیست بلکه وظیفه نهادهای مدنی است که باید برای مبارزه با فساد و افزایش آگاهی اجتماعی شکل گیرند.

حامد شمس، مدیر برند، مسئولیت اجتماعی و روابط عمومی هلدینگ خلیج فارس، حامی اصلی جشنواره ملی کاریکاتور باجنیزها، باج‌خواهی رسانه‌ای را پدیده‌ای اجتماعی، پیچیده و چندلایه توصیف کرد که مشابه مسائل و چون‌کاهش فرزندانوری با گسترش اعتیاد، ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی دارد. او کاهش اعتماد مردم به حاکمیت و از بین رفتن مرجعیت رسانه‌ای را از عوامل مهم شکل‌گیری باجنیزها دانست و تاکید کرد که مقابله با این پدیده نیازمند برنامه‌ریزی جامع، افزایش سواد رسانه‌ای مدیران بنگاه‌ها و توانمندسازی مدیران روابط عمومی است. شمس همچنین از ایجاد اتلافی میان رسانه‌ها، شرکت‌ها و نهادهای اقتصادی دولتی و حصولی برای آغاز این مسیر خبر داد و اشاره کرد که با وجود تولید بیش از ۵۰ ویدئو کلیپ خبری و انتشار حداقل ۵۵ یادداشت و مقاله، هنوز موج مؤثری علیه باجنیز ایجاد نشده است و گستردگی این پدیده فراتر از تصور اولیه بوده است. یکی از خروجی‌های اولین جشنواره ملی کاریکاتور باجنیزها، انتشار کتاب جشنواره ملی کاریکاتور باجنیز است که در حاشیه مراسم اختتامیه، از آن رونمایی شد. کتابی که حیدری درباره آن می‌گوید: «تمام آثاری که از غربال داوری گذشتند و روی دیوار نمایشگاه قرار گرفتند، در کتاب با مشخصات و توضیحات درج شده‌اند. کتاب با کیفیت مناسب از لحاظ کاغذ و کیفیت چاپ و جلد منتشر شده است.»

حیدری با یادآوری اهداف جشنواره ملی کاریکاتور باجنیزها توضیح می‌دهد: «ما در وهله اول می‌خواهیم مردم و افکار عمومی، رسانه‌ها، روزنامه‌نگاران، مسئولان و سازمان‌ها نسبت به پدیده مذمون باج‌خواهی آگاه شوند. بنابراین اگر قصدمان اثرگذاری آثار است، باید چشم‌اندازی فراتر از برگزاری نمایشگاه محدود و چندروزه را هدف‌گذاری کنیم. بر همین اساس کتاب برگزیده آثار نیز تدوین و منتشر کردیم. چرا که پیام جشنواره در قالب چاپ کتاب آن و قرار گرفتن در خانه‌ها و کتابخانه‌ها عینیت می‌یابد و حفظ می‌شود.» دبیر جشنواره ملی کاریکاتور باجنیزها اضافه می‌کند: «جشنواره هلدینگ صنایع پتروشیمی خلیج فارس تعدادی از کتاب‌ها را برای سازمان‌ها، مراکز و مسئولان کشور ارسال می‌کند. این‌ها را مخاطبان بالقوه باجنیزها ارسال می‌کنند تا به‌عنوان میراثی از دوره اول جشنواره به‌عنوان یادگار به‌جامانند.»

نخستین جشنواره ملی کاریکاتور باجنیزها را باید پیش و بیش از اینکه رویدادی هنری خواند، درجه‌ای برای درک بهتر پیچیدگی‌های پدیده‌ای و اجتماعی دانست که ریشه در بی‌اعتمادی، نبود شفافیت و ساختارهای ابتر و بهمریخته اطلاع‌رسانی دارد. گرچه آثار ارائه‌شده در این جشنواره زبان طنز، اغراق و نمادپردازی دارند، ولی مخاطب را به تماشا و بلکه به تأمل و پرسشگری فرا می‌خواند.

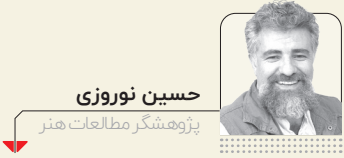
باید تفت با برگزاری این رویداد و انتشار آثار در کتاب جشنواره، گام مهمی در تثبیت حافظه اجتماعی و ارتقای سواد رسانه‌ای برداشته شده است؛ گامی که پیام‌اش فراتر از گالری‌ها و شبکه‌های اجتماعی، در دل خانه‌ها و ذهن مخاطبان ثبت می‌شود. این تلاش نشان می‌دهد که حتی در مواجهه با جریان‌های پیچیده و آسیب‌زا، خلاقیت و هنر می‌تواند چراغی باشد برای روشن کردن مسیر، یادآور این نکته که آگاهی و مشارکت جمعی، تنها راه مقابله با پدیده‌هایی است که اعتماد و اخلاق رسانه را تهدید می‌کنند.

به‌نظر می‌رسد جشنواره ملی کاریکاتور باجنیزها را نه یک پایان، بلکه باید آغاز مسیر آگاهی و نقد خلاقانه دانست؛ حرکتی که امید دارد با استمرار و توسعه، هر سال گستره تأثیر خود را گسترش دهد و فرهنگ رسانه‌ای و مسئولانه‌ای در جامعه بسازد.

هنرهای تجسمی

جدیت وزارت ارشاد در قبال هنر

درباره ضرورت‌ها و تردیدهای جشنواره هنرهای تجسمی جوانان



جشنواره هنرهای تجسمی جوانان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۴۰۴، بار دیگر همانند سال‌های گذشته به میدان آمده است تا به‌زعم برگزارکنندگان، فضایی برای عرضه و نمایش توانایی‌های جوانان و هنرمندان معاصر کشور فراهم آورد. اما پرسش بنیادین اینجاست: این جشنواره در اصل چه کارکردی دارد؟ آیا همچون یک مکمل و امتداد روند آموزشی دانشگاه‌ها و هنرستان‌ها به رفع نواقص آموزشی و پرورش نیروی خلاق نسل جوان کمک می‌کند، یا آنکه بیشتر به‌پرتاب و شناسایی استعدادها برای حراج‌ها و بازارهای حرفه‌ای هنر تجسمی داخلی و خارجی چشم دوخته است؟ آیا این جشنواره صادقانه دغدغه بنیان‌ها و زیرساخت‌های هنر تجسمی کشور را دارد، یا روایت دیگری در پس پرده جریان دارد؟ واقعیت این است که هنرهای تجسمی در ایران سال‌هاست میان دو قطب در نوسان است؛ از یک‌سو، دغدغه تداوم سنت‌ها، هویت ملی و میراث فرهنگی و از سوی دیگر، عطش پیوستن به بازارهای جهانی، جلب‌نظر گالری‌داران و مجموعه‌داران داخلی و خارجی و تأمین نیاز مصرف‌کنندگان هنری در خاورمیانه، اروپا و آمریکا. جشنواره‌های تجسمی جوانان از جمله جشنواره وزارت ارشاد، دقیقاً در همین نقطه تلاقی قرار گرفته‌اند. پرسش اما این است که اولویت با کدام است؟ هویت‌سازی ملی یا بازارسازی جهانی؟ شکی نیست که در کارگاه‌ها، نشست‌ها و رقابت‌های این جشنواره، جوانان بسیاری با انگیزه‌های متفاوت شرکت می‌کنند. برخی امید دارند این بستر فرصتی باشد برای تکمیل آموزش‌هایی که در دانشگاه‌ها به‌دلیل ساختاری و کیفی ناقص مانده است. برخی دیگر در اندیشه معرفی خود به داورانی هستند که گاه خود هم‌زمان نقش معلم، هنرمند فعال در بازار و واسطه میان هنرمند و گالری را ایفا می‌کنند. آیا داوری‌ها و انتخاب‌ها براساس معیارهای آموزشی و هنری شکل می‌گیرد یا نگاه به آینده بازار و جذابیت برای خریداران خارجی؟ این پرسشی است که هنوز پاسخ روشنی ندارد. این جشنواره می‌توانست بستری باشد برای ترمیم شکاف آموزشی و ارتقای کیفیت نیروهای جوان، اما آیا واقعاً چنین نقشی را ایفا می‌کند؟ بسیاری از استادان و منتقدان معتقدند، نه. خروجی‌ها بیشتر از آنکه به «آموزش» منجر شوند، به‌سمت «بازار» متمایل‌اند. جشنواره، به‌جای آنکه با رویکردی بنیادین به ضعف‌های آموزش هنر در دانشگاه‌ها بپردازد، بیشتر شبیه سکوی پرتابی است برای معرفی و عرضه هنرمندان به بازار داخلی و خارجی. این در حالی است که بدون ترمیم زیرساخت‌های آموزشی، استعدادها در نیمه‌راه می‌سوزند و به‌جای تداوم مسیر هنری، صرفاً به کالاهای گذرا در بازار بدل می‌شوند. در نتیجه جوانان شرکت‌کننده، به‌جای آنکه بر تقویت بنیان‌های فکری و تکنیکی خود تمرکز کنند، بیشتر در پی جلب رضایت کسانی‌اند که می‌توانند مسیر آنها را به گالری‌ها و بازارها باز کنند. البته نباید منکر شد که بازار هنر، بخشی جدایی‌ناپذیر از حیات هنر معاصر است. اما مشکل از جایی آغاز می‌شود که این بازار به‌جای آنکه پیرو پشتیبان جریان‌های هنری و هویتی باشد، به نیرویی مسلط و جهت‌دهنده تبدیل می‌شود. جشنواره‌های رسمی، به‌ویژه جشنواره هنرهای تجسمی جوانان وزارت ارشاد، اگر تنها به بازار چشم‌بدوند، در عمل رسالت فرهنگی و ملی خود را وانهاده‌اند. در این میان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید حافظ هویت هنری جامعه باشد و مسیر پرورش نسل‌های تازه هنرمند را براساس نیازهای واقعی کشور و جامعه ایرانی سامان دهد. باید ساختار و اهداف جشنواره به‌طور جدی بازنگری شود. شفافیت در ترکیب داوران، اولویت‌دادن به کارگاه‌های آموزشی، نقد جدی آثار و ایجاد پیوند میان دانشگاه‌ها و جشنواره‌ها می‌تواند بخشی از این بازنگری باشد. بدون چنین رویکردی، جشنواره هنرهای تجسمی جوانان همچنان میان دو قطب هویت و بازار سرگردان خواهد ماند؛ نه هنرمند پرورش می‌دهد و نه بازاری پایدار برای هنر ایران بنا می‌کند. آنچه امروز بیش از هر چیز لازم است، صداقت در بیان اهداف و شفافیت در روند‌هاست. اگر جشنواره می‌خواهد بازاری برای معرفی هنرمندان جوان به جهان باشد، باید این هدف را روشن و شفاف اعلام کند. اگر قرار است به رفع کاستی‌های آموزشی و تقویت زیرساخت‌های ملی بپردازد، باید امکانات و سازوکارهای لازم را فراهم آورد. هر تردید و ابهامی در این میان، تنها موجب دل‌سردی جوانان و تضعیف اعتماد جامعه هنری خواهد شد. جشنواره هنرهای تجسمی جوانان وزارت ارشاد در سال ۱۴۰۴، آزمونی است برای سنجش جدیت این نهاد در قبال هنر و هنرمند ایرانی. یا پایداراهی شفاف، روشن‌وملی را برگزیند، یا آنکه در گرداب دواگنگی بازار و هویت گرفتار خواهد ماند. جامعه هنری ایران، بیش از هر زمان دیگری، نیازمند پاسخی صریح به این پرسش است: این جشنواره برای چه کسی و برای چه چیزی برگزار می‌شود؟